



عنوان:

**بررسی دلایل عدم الحاق ایالات متحده آمریکا به دیوان کیفری
بین‌المللی**

نگارش:

سلماز صدرزاده

استاد راهنما:

سرکار خانم دکتر امین زاده

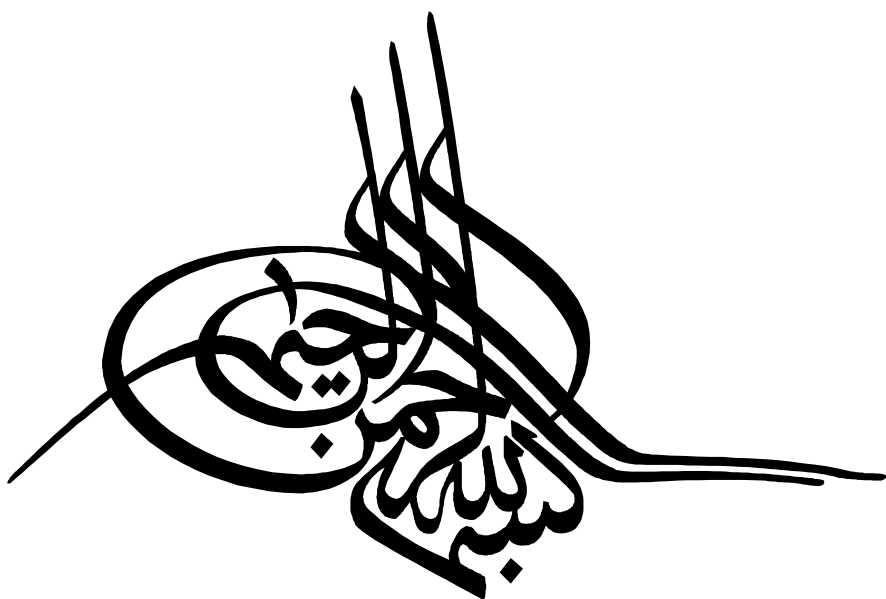
استاد مشاور:

جناب آقای دکتر میرعباسی

پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته حقوق بین‌المللی

تابستان ۱۳۸۷



چکیده

جناياتی از قبیل جنايات عليه بشریت، نسل کشی و جنايات جنگی، به ندرت بدون مشارکت یا توافق ضمنی دولت‌ها، انجام می‌پذیرند. جنايات نازی‌ها در آلمان، دولت موقت رواندا، نزاع قومی در یوگسلاوی سابق و خمرهای سرخ در کامبوج و ده‌ها مورد مشابه دیگر، در پی سیاست‌ها و نفوذ قدرت دولت انجام پذیرفته‌اند که این امر به دلیل نبود مکانیسم جزایی بین‌المللی مانع اعمال قواعد حقوقی در خصوص جنايات نامتعارف جنگی می‌گردید.

دولت مسئول در این جنايات، به ندرت تحت پیگیری قرار می‌گیرند و همچنین احکام قضایی در سطح بین‌المللی، به سهولت احکام قضایی ملی اجرا نمی‌گردند، که چنین شرایطی مشکلی اساسی در راه رسیدگی به جنايات بین‌المللی ایجاد می‌نماید. لذا لزوم ایجاد و طراحی ساختار و سیستمی قضایی، که مانع قانون‌گریزی دولت‌های مباشر در جنايات بر علیه بشریت گردد و در عین حال مشروعیت قضایی و بی‌طرفی خود را حفظ نموده و دارای قدرت لازم جهت اعمال احکام خود باشد، به خوبی احساس می‌گردد. راهکار ایجاد شده برای حل این معضل، ایجاد دادگاه بین‌المللی کیفری (I.C.C) بود که قدرت پیگرد حقوقی را فرای حیطه قدرت دولت‌ها داشته، لذا با وجود دادگاه و بسط چنین قدرتی، دولت‌های مباشر در جرم‌های رهایی از اعمال قدرت چنین نهادی، در جهت عدالت تلاش خواهند نمود.

در مقاله حاضر به بررسی موضع ایالات متحده در ارتباط با دیوان کیفری بین‌المللی بعنوان یکی از حامیان و مدعیان بسط و استقرار صلح و عدالت در جهان پرداخته و صحت آن را با توجه به رویه اتخاذی این کشور در این قبیل موارد بررسی و نیز به دلایل و موارد متنازع فیه و اعتبار آنان می‌پردازیم.

فهرست مطالب

- ۱ مقدمه تحلیلی
- ۲ گفتار اول: دلایل تشکیل دیوان کیفری بین‌المللی
- ۵ گفتار دوم: بررسی موضع ایالات متحده در مقابل دیوان کیفری بین‌المللی
- بخش اول- بررسی اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی با عنایت به موضع
- ۱۱ مخالف ایالات متحده در قبال دیوان
- ۱۲ گفتار اول: بررسی تاریخی ایجاد یک دادگاه کیفری بین‌المللی
- گفتار دوم: بررسی دادگاه‌های خاص و موقت رسیدگی به جرایم جنگی
- ۱۶ در دهه‌های گذشته
- ۱۶ الف - نگاهی کلی به دادگاه‌های توکیو و نورنبرگ
- ۱۸ ب - بررسی دادگاه‌های خاص یوگسلاوی سابق و رواندا
- گفتار سوم: بررسی پیشرفت دیوان کیفری بین‌المللی نسبت به
- ۲۲ دادگاه‌های خاص و موقت
- ۲۲ الف - بازدارندگی
- ۲۳ ب - اصلاح نقایص دادگاه‌های خاص
- ۲۴ ج - مبانی متفاوت
- ۲۶ گفتار چهارم: بررسی مفاد اساسنامه رم

۲۶	الف - جنایات مندرج در اساسنامه رم
۲۶	۱- بررسی جنایات مندرج در اساسنامه رم
۲۶	۱-۱- نسل‌کشی
۲۷	۲-۱- جنایات علیه بشریت
۲۸	۳-۱- جنایات جنگی
۲۹	۴-۱- جنایات تجاوز
۲۹	ب - ارکان دیوان
۲۹	۱- هیأت رئیسه
۳۰	۲- بخش دادرسی اولیه
۳۰	۳- دادسرا
۳۱	۴- دبیرخانه
۳۱	ج - قوانین و روند دادرسی

گفتار پنجم: بررسی دلایل مخالفت ایالات متحده در عدم الحاق به دیوان کیفری

۳۴	بین‌المللی
	الف - شرح مخالفت ایالات متحده در قبال
۳۴	دیوان کیفری بین‌المللی
	ب - مواد مخالفت ایالات متحده در مقابل
۳۵	دیوان کیفری بین‌المللی
۳۵	۱- بازپرسی و بازپرسان غیرقابل اعتماد
	۲- شمول اتباع کشورهای غیرعضو در صلاحیت پیگرد
۴۰	حقوقی دیوان کیفری بین‌المللی

۳- تعاریف چهارگانه جنایات در اساسنامه

- ۴۳ دیوان کیفری بین‌المللی
- ۴۷ ۴- اعمال پیگرد سیاسی
- ۴۹ ۵- عدم تطابق مقررات دیوان کیفری بین‌المللی با ماده ۳ قانون اساسی ایالات متحده
- ۵۱ ۶- عدم وجود حکم اعدام در دیوان کیفری بین‌المللی
- ۵۱ ۷- امکان استیناف فقط در یک مرحله
- ۵۲ ۸- فقدان هیات منصفه در دیوان کیفری بین‌المللی
- ۵۴ ۹- جایگزینی غیرقانونی دیوان کیفری بین‌المللی در نقش شورای امنیت
- ۵۵ ۱۰- ماده ۱۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی
- ۵۷ ۱۱- تمایل ایالات متحده به تاسیس دادگاههای خاص
- ۵۹ ۱۲- خطر ناشی از ماده ۲۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی

بخش دوم- سیاست‌های اتخاذی ایالات متحده نسبت به دیوان کیفری

۶۱ بین‌المللی در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی

گفتار اول: درخواست صدور قطعنامه مصونیت قضایی نیروهای

۶۳ آمریکایی حاضر در مأموریت‌های صلح‌جویی سازمان ملل متحده (قطعنامه ۱۴۲۲)

۶۵ الف- بررسی مخالفت‌های صورت گرفته با قطعنامه ۱۴۲۲

۶۶ ب- ایرادات وارد بر قطعنامه ۱۴۲۲

۶۶ ۱- تجاوز شورای امنیت از حدود ماده ۱۶ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی

۶۷ ۲- عدم وجود تهدید علیه صلح در زمان صدور قطعنامه

۶۹ ۳- تضاد قطعنامه با ماده ۲۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی

۴- ایرادات وارده بر ایالات متحده در مقایسه با موضع این کشور نسبت به دیوان و قطعنامه

- ۷۰ ۱۴۲۲ و نیز نیروهای حافظ صلح در یوگسلاوی سابق
- ۷۲ ج- بررسی عدم تمدید قطعنامه مصونیت در سال ۲۰۰۴ و بیان چند موضع مخالف
- ۷۳ ۱- اظهارات «کوفی عنان» دبیر کل اسبق سازمان ملل
- ۷۴ ۲- اضافه شدن اتحادیه اروپا به صف مخالفان
- ۷۴ ۳- موضع چین در مقابل تمدید قطعنامه
- ۷۵ ۴- موضع دیده بان حقوق بشر
- ۷۶ گفتار دوم: قانون محافظت از سربازان آمریکایی (ASPA)
- ۸۲ گفتار سوم: بررسی ماده ۹۸ و قراردادهای ناشی از آن
- ۸۵ الف- سیاست متفاوت بوش و کلینتون در راستای شمول افراد در ماده ۹۸
- ۸۶ ب - موضع اتحادیه اروپا در قبال قراردادهای عدم استرداد مجرمین
- ج - آیا کشورهای امضاء کننده معاهدات دو جانبه هنوز در قید
- ۸۷ مقررات دیوان کیفری بین المللی قرار دارند؟
- ۹۰ گفتار چهارم: بررسی الحاقیه ندرکات در خصوص سایر کشورها
- گفتار پنجم: بررسی سیاست ایالات متحده در دارفور با توجه به قطعنامه ۱۵۹۳
- ۹۴ شورای امنیت
- ۹۷ الف- بررسی منافع ایالات متحده در قطعنامه ۱۵۹۳
- ۹۷ ۱- عدم لزوم همکاری کشورهای غیرعضو
- ۹۸ ۲- ایجاد امنیت برای کشورهای غیرعضو

ب- همکاری ایالات متحده با دی‌وان کی‌فیری بین‌المللی در جهت حل

وضعیت نگران‌کننده دارفور

نتیجه‌گیری

ضمائم

جدول کشورهای عضو اساسنامه دیوان کی‌فیری بین‌المللی

جدول کشورهایی که علی‌رغم امضاء، اساسنامه دیوان کی‌فیری بین‌المللی را به

تصویب نرسانیده‌اند

لیست کشورهایی که قراردادهای موضوع ماده ۹۸ (BIA) را با ایالات متحده

به امضاء رسانیده‌اند (هم کشورهایی که از امضاء دیوان می‌باشند و هم

کشورهایی که از امضاء نمی‌باشند با توجه به حوزه جغرافیایی آنها)

قطعه‌نامه ۱۴۲۲ شورای امنیت

قطعه‌نامه ۱۴۸۷ شورای امنیت

قطعه‌نامه ۱۵۹۳ شورای امنیت

منابع

I.C.C	International Criminal Court
I.C.J	International Court of Justice
A.S.P.A	American Service Member Act
I.L.C	International Law Commission
ICTR	International Criminal Tribunal for Rwanda
ICTY	International Criminal Tribunal for Yugoslavia
UNHCR	The UN High Commissioner For Refugees
BIA	Bilateral Immunity Agreements
SOFA	Status of Force Agreement
SOMA	Status of Mission Agreement
ESF	Economic Support Funds
FMF	Foreign Military Financing

مقدمهٔ تحلیلی

گفتار اول: دلایل تشکیل دیوان کیفری بین‌المللی

در گذشته، لشکرکشی و کشورگشایی یکی از اشکال نمایش قدرت به حساب می‌آمد، لذا جنایاتی که در جریان این اقدامات صورت می‌گرفت، عنوان مجرمانه نداشته و قابلیت مجازات نمی‌یافتند. به همین دلیل، حقوق‌دانان در راه استقرار عدالت و صلح، از طریق ایجاد جهانی قانونمدار، استقرار قوانین یکپارچه بین‌المللی و وجود ضمانت اجراء تلاش‌های گسترده‌ای را شروع کردند.

اگر کمی به عقب برگردیم، شاهد وجود کاستی در رسیدگی و پیگیری جنایات ارتكابی خواهیم بود. برای نمونه، پس از پایان جنگ جهانی اول، جنایاتی که متفقین (نیروهای متفق غربی) در جنگ مرتکب شده بودند، مورد بررسی قرار نگرفت و جانباختگان نیز بدون محاکمه رها شدند. در واقع، عدم تشکیل یک دادگاه برای رسیدگی به جنایات جنگی در جنگ جهانی اول، به عنوان یک نقص بزرگ جزایی بین‌المللی، می‌توان نام برد که حتی تشکیل دادگاه نورنبرگ و توکیو و همچنین دادگاه‌های رسیدگی به جنایات ارتكابی در یوگسلاوی سابق و رواندا نیز، نتوانستند این کاستی تاریخی را جبران کنند. قاضی «گابریل کرک مک دونالد» در این باره گفته است¹:

«آنچه که در خلال جنگ جهانی اول، توسط ترک‌ها به وقوع پیوست، نسل‌کشی آشکار آرامنه بود که تا کنون به هیچ دادگاهی کشیده نشده است و به علاوه جنایات گسترده دیگری نیز در قرن بیستم صورت گرفت که مورد بررسی در هیچ دادگاهی قرار نگرفته است.» قاضی «مک دونالد» معتقد است: «می‌بایست به همه انسان‌ها ارزش گذاشت و تمامی جنایات علیه بشریت

¹ - Southern California Law Review "International Criminal Court and the United States Policy" (2000).

را مورد محاکمه قرار داد تا در جامعه جهانی، هرگونه سوء استفاده از این اعمال، مورد پیگرد قرار بگیرد.»

در حقیقت عدم وجود ابزاری خاص در جهت تنبیه خاطیان، خود عامل و مشوقی در جهت انجام جنایت است؛ زیرا تا زمانی که نسبت به محاکمه این افراد سایه‌ای از شک و تردید وجود داشته باشد، این جنایات ادامه خواهند یافت. وجود باور ادامه ارتکاب جنایات با توجه به عدم مجازات دلیلی بود تا در جولای ۱۹۹۸، شهر ژنِو میزبان نشست اعضای تام‌الاختیار سازمان ملل در جهت تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی (I.C.C) شود. در این گردهمایی، ۱۶۰ نماینده از کشورهای جهان و نمایندگان بیش از ۱۵۰ سازمان بین‌المللی، گرد هم آمدند.

سازمان‌های حاضر در این نشست، عبارت بودند از ۱۶ سازمان چند ملیتی، ۵ آژانس تخصصی، ۸ نماینده از برنامه‌های سازمان ملل و حدود ۱۳۰ نماینده از سازمان‌های غیر دولتی که در مجموع، حدود ۳۲۰ گروه در این نشست حضور داشتند و بر تأسیس یک دادگاه کیفری بین‌المللی، جهت رسیدگی به جنایات بین‌المللی به توافق رسیدند. شهر لاهه نیز به عنوان محل دائمی دیوان کیفری بین‌المللی، انتخاب شد تا از آن تاریخ به بعد، به جنایات جنگی، جنایات علیه بشریت، نسل‌کشی و تجاوز ارتكابی پس از تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی بپردازد.^۱

اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، در تاریخ ۱۱ آوریل ۲۰۰۲، زمانی که بیش از ۶۰ کشور اساسنامه را امضاء کردند، یعنی اول جولای ۲۰۰۲ (۱۰ تیرماه ۱۳۸۱)، لازم‌الاجرا شد.

تشکیل دادگاه کیفری بین‌المللی، در حقیقت ایجاد نوعی تعهد جهانی جهت احقاق حقوق افراد کشورهای عضو در برابر خشونت‌های ممکن بود. در حقیقت پس از تصویب کنوانسیون

^۱ - بر اساس ماده ۱۱ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی: دیوان تنها نسبت به جرایمی صلاحیت دارد که بعد از لازم‌الاجرا شدن این اساسنامه ارتکاب یافته باشد.

ژنو در سال ۱۹۴۹، تشکیل دیوان کیفری بین‌المللی، بزرگ‌ترین گام جامعۀ جهانی در راستای اجرای عدالت بین‌المللی محسوب می‌شود. چرا که وجود دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ) به تنهایی، پاسخگوی رسیدگی و محاکمه همه جنایتکاران نبود، زیرا صلاحیت این دادگاه محدود به رسیدگی مناقشات میان دولت‌ها است و دیگر اعضای جامعۀ جهانی را شامل نمی‌شود. در حالی که دیوان کیفری بین‌المللی، توانایی پیگرد حقوقی اشخاص حقیقی را نیز دارا می‌باشد و به جهت قابلیت محاکمه افراد، از دیگر دادگاه‌های موجود در سطح بین‌المللی متمایز است. در حقیقت باید گفت، دیوان کیفری بین‌المللی، نهادی خاص و منحصر به فرد است؛ زیرا با تأسیس دیوان، این نخستین باری است که یک دادگاه دائم جهانی با هدف جلوگیری از ارتکاب جنایات بین‌المللی تشکیل می‌گردد و تمامی کشورهای عضو سازمان ملل متحد نیز در کنفرانس رُم که برای ایجاد این چنین دادگاهی تشکیل یافته بود، حضور داشتند تا با ایجاد یک دادگاه دائمی، برای اعمال عدالت در قبال جنایات جنگی، به رویای خود مبنی بر جهانی همراه با صلح، نزدیک‌تر شوند.

وجود چنین دادگاهی که جانباوران را به نتیجه اعمالشان می‌رساند، ملت‌های جهان را متوجه این نکته می‌سازد که در مورد رفتار خویش مراقبت و دقت لازم را به عمل آورند، تا مشمول پیگردهای قانونی دیوان کیفری بین‌المللی قرار نگیرند.

گفتار دوم: بررسی موضع ایالات متحده آمریکا در قبال دیوان کیفری بین‌المللی

تشکیل دیوان کیفری بین‌المللی مخالفت‌های سرسختانه‌ای را در داخل دولت ایالات متحده بوجود آورد. این در حالی بود که این کشور، در مذاکرات اولیه حضور داشت و در حقیقت یکی از مؤسسان دیوان محسوب می‌گردد و در شمار یکی از اعضای مهم جلسات کنفرانس رُم^۱* به شمار می‌رفت. اما در پایان و در آخرین جلسه، در مورد حضور خود در دیوان، تغییر رویه داد و از دادن رأی مثبت به اساسنامه خودداری نمود^۲. گرچه رئیس‌جمهور آمریکا «بیل کلینتون» در ۳۱ دسامبر سال ۲۰۰۰، این حضور را تأیید کرد و اساسنامه را در حالی که تنها ۳ هفته تا انتقال زمامداری ایالات متحده به بوش پسر، باقی مانده بود، امضا کرد؛ اما این امضاء در پی خود توشیحی را به دنبال داشت که در آن در رابطه با ماده^۳ ۱۲۰ اساسنامه، ابراز نگرانی شده بود لذا علیرغم امضای معاهده توسط «بیل کلینتون» وی از تأیید آن در سنا خودداری کرد. وی در این رابطه متذکر شد:

«من این سند را برای تأیید به سنا نخواهم فرستاد و از رئیس‌جمهوران بعدی هم می‌خواهم تا زمان بر طرف شدن نگرانی‌های موجود در رابطه با معاهده رُم، از تصویب آن خودداری نمایند؛ زیرا علی‌رغم امضای این قرارداد، ما هنوز در مورد برخی از مسائل در دیوان کیفری بین‌المللی منتقدانه برخورد می‌نمائیم. به طور خاص، هنوز در مورد اشراف حقوقی دیوان کیفری بین‌المللی بر اتباع کشورهای غیر عضو، ابهاماتی وجود دارد. البته باید بگویم با امضای

^۱- Ruth Wedgwood, Harold k. Jacobson and Monroe leigh, **The United States and The Statute of Rome U.S(2001)**

* حتی در زمان تشکیل دادگاه‌های یوگسلاوی سابق و رواندا، به طور داوطلبانه نسبت به تخصیص منابع مالی قابل توجه جهت انجام امور و در نظر گرفتن منابع نظامی و دیپلماتیک برای به نتیجه رسیدن مناسب آن‌ها، اقدام نموده است.

^۲- Statement on The Rome Treaty on The International Criminal Court, **37 weekly comp**, Pres Doc 4 (Dec. 31, 2000)

^۳- ماده ۱۲۰=هیچگونه حق شرطی بر این اساسنامه قابل اعمال نخواهد بود

آن ما می‌توانیم در فرآیند تکامل دیوان کیفری بین‌المللی دخیل باشیم، در صورتی‌که با عدم امضای آن، این سیر، دیگر در اختیار ما نخواهد بود.^۱»

سیاست اتخاذی جرج بوش نیز در این رابطه، انتقادی بود و از همان زمان نامزدی پست ریاست جمهوری، در نطق‌های انتخاباتی خود در سال ۲۰۰۰، اعلام داشت که از اساس با دیوان مخالف است و دولت او نیز در تعقیب این رویه، از ارائه آن به سنا جهت تأیید خودداری نمود.^۲ این در حالی بود که سازمان ملل متحد، بسیاری از سازمان‌های حقوق بشر و اغلب ملت‌های دمکراتیک دنیا، از دیوان کیفری بین‌المللی و اقدامات آن حمایت می‌کردند؛ لذا این مخالفت و عدم تصویب معاهده توسط ایالات متحده موجب نشد تا تشکیل دیوان به تعویق بیفتد.

موضع مخالف ایالات متحده با دیوان تا به آن‌جا پیش رفت که سرانجام در ششم می سال ۲۰۰۲، «مارک‌گراس‌من» سخنگوی سابق ایالات متحده، تغییر موضع ریاست جمهوری ایالات متحده در قبال دیوان کیفری بین‌المللی را به این ترتیب اعلام داشت که کشورش امضای خود را از ذیل اساسنامه رُم پس می‌گیرد.^۳ در همین تاریخ، ایالات متحده به دبیر کل سازمان ملل متحد اعلام نمود، هیچ‌گونه اجباری را جهت تبعیت از اساسنامه رُم نمی‌پذیرد و علاقه‌ای به پیوستن به این دادگاه ندارد و این مطلب را جهت درج در بایگانی سازمان ملل به ثبت رساند.^{۴*}

^۱- Lee A. Casey, Eric J. Kadel, Jr., David B. Rivkin, Jr. and Edwin D. Williamson, **(The United States and The International Criminal Court: Concerns and Possible Courses of Action)** (2002)

^۲- Id.

^۳- Amice Response to the U.S. Administration International Criminal Court Policy (2005)

* امضای ایالات متحده در بایگانی سازمان ملل متحد موجود است و پی‌نوشت آن نیز به دبیر کل سازمان ملل متحد ارسال گردید.

^۴- Thomas M. Frank and Stephen H. yuhan, **The United States and International Criminal Court: Unilateralism Rampant U.S** (2003)

«مارک گراس من» در اعلام تغییر موضع کشورش، چهار مورد را به عنوان مانعی برای تأیید دیوان کیفری بین المللی از سوی این کشور بیان نمود:

«نخست این که، قدرت موجود در دیوان کیفری بین المللی توسط هیچ نهادی بررسی نشده است و بازپرسی داخل این دادگاه، توسط خودش ایجاد شده، به هیچ دولت یا نهادی به غیر از خود دادگاه جواب پس نمی‌دهد.

دوم این که، قرارداد رُم در حوزه اختیارات شورای امنیت سازمان ملل دخالت کرده است؛ اما از منشور سازمان ملل تبعیت نمی‌کند و مهم‌تر این که، تعریف دقیقی برای واژه تجاوز جنگی در دیوان ارائه نشده؛ با این وجود بازپرسان اجازه تحقیق و پیگرد را در این مورد دارا می‌باشند. یعنی به بازپرسان اجازه داده شده است که در مورد جرائم تعریف نشده تحقیق به عمل آورند. سوم این که، این دادگاه برخلاف میل مسئولان ایالات متحده، به خود اجازه پیگرد حقوقی اتباع این کشور را می‌دهد، که از این طریق حق حاکمیت ایالات متحده را مخدوش می‌کند. در واقع اعضای حاکم در دادگاه، اجازه پیگرد اتباع کشورهای غیرعضو را به خود می‌دهند ولی دولت ایالات متحده چنین حقی را، خارج از مرزهای خود، جهت تحقیق و بازداشت اتباع خود پیش‌بینی نکرده است؛ مگر آن که شورای امنیت سازمان ملل در این خصوص امری صادر کند.

چهارم این که، ممکن است دادگاه، مسئولان و نظامیان آمریکایی را به دلایل سیاسی به دادگاه احضار نماید که چنین امری با عنایت به شمار زیاد دشمنان ایالات متحده، محتمل به نظر

می‌آید. در واقع این دادگاه به کشورهای عضو اجازه می‌دهد سربازان آمریکایی را به دلایل سیاسی متهم سازند.^۱»

پس از این که ایالات متحده، امضای خود را پس گرفت، برای احقاق اهداف و سیاست‌هایش، شروع به اقداماتی برای مقابله و تضعیف دیوان نمود. در این راستا، کلیهٔ مأموریت‌های صلح‌بانی شورای امنیت که ممکن بود برای سربازان این کشور، خطراتی به همراه داشته باشد، را متوقف نمود و همچنین در داخل آمریکا قانونی را به تصویب رساند که در طی آن، برای اعضای دیوان، جهت عدم ایجاد سیادت قضایی دیوان بر ایالات متحده، تحریم‌هایی را در نظر گرفته است. این موضوع در حالی است که جرج بوش اعلام کرده بود، به حق عضویت دیگر کشورها در دیوان احترام می‌گذارد؛ در حالی که در تضعیف آن تا آنجا که می‌توانست، کوشید؛ زیرا از نظر دولت ایالات متحده، این معاهده دارای ایراداتی است که به نفع منافع ملی این کشور نمی‌باشد؛ لذا در طی مذاکراتی که در کمیسیون حقوق بین‌الملل صورت گرفته بود، ایالات متحده بارها مخالفت خود را با مواد مختلف دیوان اعلام داشت.

از ایرادات اساسی ارائه شده از طرف ایالات متحده در رابطه با دیوان، به امکان بازداشت و تعقیب سربازان آمریکایی به جرم جنایت جنگی در راستای انجام مأموریشان، حتی در صورتی که ایالات متحده عضو این دیوان نباشد، می‌توان اشاره کرد. لذا در سی‌ام ژوئن ۲۰۰۲، ایالات متحده قطعنامهٔ حضور سربازان حافظ صلح سازمان ملل در بوسنی به علت این که شورای امنیت عدم پیگرد سربازان آمریکایی توسط دیوان را، تضمین نمی‌کرد و تو نمود. این نخستین مخالفت عملی یک دولت با دیوان بحساب می‌آید که نگرانی‌هایی را نیز در رابطه با مأموریت‌های صلح‌بانان سازمان ملل بوجود آورد. پس از آن شورای امنیت و دیوان،

^۱- Id.

توافقنامه‌ای را به امضاء رساندند که به مدت یکسال، دیوان مأموران صلحبان سازمان ملل را صرف نظر از ملیتشان، از تحقیق و تعقیب مصون می‌داشت.^۱

البته با توجه به ماده ۱۶ از اساسنامه دیوان، عدم پیگرد به صورت موقت بوده و ایالات متحده علی‌رغم تلاش فراوانی که در این زمینه نمود، موفق به کسب این تضمین بطور دائم از دیوان نگردید.^۲

با توجه به این مطالب، ایالات متحده از طریق شورای امنیت، تضمین عدم پیگرد برای سربازانش توسط دیوان را، تا اول جولای ۲۰۰۴ تمدید کرد. اما در تابستان ۲۰۰۴، برای تمدید دوباره آن، با مخالفت اعضای دیوان مواجه شد و نتوانست آنرا برای سال ۲۰۰۵ و بعد از آن تمدید نماید. به همین علت، ایالات متحده برای مصون نگه داشتن سربازان خود از احتمال تعقیب در دیوان، به ایجاد و عقد قراردادهای دو جانبه با اعضای دیوان و کشورهای غیرعضو، برای تثبیت عدم استرداد مجرمین، اقدام کرد. در حقیقت ایالات متحده، به عنوان کشوری که تاکنون، اساسنامه را امضاء ننموده است، در صدد کسب مصونیت قضایی برای اتباع خود در دیوان می‌باشد.

البته باید گفت به صورت مشخص، همه کشورهای از جمله آمریکا این حق را دارند که مسائل را با توجه به منافع و امنیت ملی خود، در نظر بگیرند. دولت ایالات متحده نیز با توجه به منافع خود، می‌تواند با حساسیت خاصی نسبت به نقش دیوان در سیاست‌های دفاعی و خارجی خود و احتمال بار شدن مسئولیت بر سربازانش از رئیس جمهور به عنوان فرمانده نیروهای

^۱- Jennifer k. Elsea, Legislative Attorney, *American Law Division*, "U.S. Policy Regarding The International Criminal Court"(2006)

^۲- البته برخی از اعضای دیوان، ماده ۱۶ را جهت خروج مقطعی برخی موارد خاص تفسیر می‌کنند یعنی این طور می‌گویند که ماده ۱۶، برای کشوری خاصی نیست، بلکه هدف آن موقعیت خاص است نه اتباع کشورهای خاص.

مسلح تا سربازان قوای مختلف که در عملیات ارتش آمریکا شرکت می کنند، مسائل را بررسی و تحلیل نماید؛ اما به نظر می رسد دیوان بدون همراهی ایالات متحده (به دلیل قدرت و نفوذ این کشور، کمک های مالی و نیروهای نظامی اش برای انجام عملیات صلح در غالب نیروهای حافظ صلح) دچار نقصان خواهد بود.

در مقابل، با کمک به محدود کردن خشونت از طریق عضویت در دیوان (به دلیل وجود جنبه بازدارندگی آن)، هزینه ایالات متحده در حفاظت از صلح در اقصی نقاط جهان، تقلیل یافته، احتیاج به فرستادن نیروها نیز کاهش می یابد، که در این صورت احتمال محکومیت اتباع و نیروهای آمریکایی نیز به حداقل خواهد رسید.

به طور خلاصه در مقاله حاضر، ابتدا به بررسی دیوان و مقایسه آن با دادگاه های خاص و رویه ایالات متحده در قبال این نوع دادگاه ها پرداخته، و در بخش بعدی دلایل مخالفت ایالات متحده مورد توجه قرار خواهد گرفت. سیاست های ایالات متحده در راستای مخالفت با دیوان، عنوان بخش سوم خواهد بود که در آن به طور مفصل به بررسی قطعنامه ۱۴۲۲ شورای امنیت و بررسی ماده ۹۸ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی و همچنین قانون محافظت از حقوق سربازان آمریکایی^۱ می پردازم. امیدوارم مطالب این مقاله به روشنی، بیان کننده چرایی عدم الحاق ایالات متحده به دیوان بین المللی کیفری و ضرورت الحاق این کشور به دیوان باشد.

¹ - American Service Member Act

بخش اول

بررسی اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی با عنایت به موضع مخالف

ایالات متحده در قبال دیوان